

۳۰۲ - ای مبتلای صد هزار مشکلات

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۰۲ - ای مبتلای صد هزار مشکلات

ای مبتلای صد هزار مشکلات، خداوند ترا از طهران آواره به وینه نمود که تلخی غربت بچشی و سمیت بلایای وارده باین عبد بمزی تا قدر عافیت طهران بدانی و راحت شمران بخاطر آری و ایران را بهشت دل و جان شمری. غربت از جهتی و کربت از جهتی و جیب تهی از جهتی و طلبکار از هر جهتی و محاوله مأمورین مالیه پادشاهی از جهتی و نرسیدن موجب از جهتی و جواب ندادن سر آمدن طهران از جهتی. باری عیب ندارد با من شریکی و سهیمی و قرینی عنقریب عسر به یسر تبدیل گردد و سختی به آسانی غم مخور من غمخوار تو هستم رفیق منی و انیس من فی الحقیقه همیشه با توام و پیش تو چه که آئی ترا فراموش ننموده و نخواهم نمود. ولی خواهی گفت چرا بدادم نمی رسی و فکری از برایم نمیکنی؟ جوابت این است باید این صدمات را بچشی و این تلخیها را بمزی تا چون بسر کار آئی و زمام امور در دست گیری بدانی که بیچارگان را چون جیره و موجب تأخیر افتد چقدر در زحمت و مشقت افتند و به چه بلائی گرفتار شوند آن وقت رحم نمائی و دردشان را بزودی علاج نمائی و کار را نظمی دهی و البهءعلیک.



ORIGINAL



AUDIO